**هذا ما نطق به لسان البيان في ملكوت العرفان**

انشاء الله بعنايت الهى و فيوضات فيّاض حقيقى فائز باشيد، يا اسمى غفلت ناس بمقامى رسيده كه بقطره تمسّك نموده اند و از فرات عنايت رحمانى گذشته اند، بسطرى از امّ الكتاب ممنوعند و بذرّه از اشراقات انوار آفتاب حقيقت محروم، آيا درايت ناس چه شده و انصاف بكجا رفته، اگر جميع را انكار نمايند پر مؤثّر نه و لكن اگر بغدير متمسّك شوند و بر بحر اعظم اعتراض نمايند اين مقام جاى نوحه و ندبه و حنين است، انشاء الله آنجناب در جميع احوال بنصرت امر مؤيد باشند و باصلاح ناس موفّق، تا كل باخلاق روحانيّه و اعمال مرضيّه مزيّن گردند، عرف اعمال و افعال پسنديده جنديست قوى، يا اسمى مذهب الله نظر بغلبهٴ ظلم ضعيف مشاهده ميشود و حال تحت مخالب اعدا، از حق بطلبيد تا نجات عطا فرمايد و دينش را حفظ نمايد و انوار آفتاب عدل بر ظلمت ظلم غلبه كند و آفاق را منوّر دارد، دوستان هر ارضى را بانوار ذكر اسم اعظم منور دار و از قبل مظلوم تكبير برسان، بگو جهد نمائيد تا جواهر ثمينهٴ غاليه در خزينهٴ حكيم امين وديعه گذاريد، امروز اين امر ممكن و از بعد محال، أَلأَمْرُ للهِ مالِك الْمَبْدَءِ وَالْمَآلِ، نار سدره باين اشتعال و نور وجه باين شان ظاهر و ساطع مع ذلك كل مخمود إِلاَّ مَنْ شاءَ رَبُّكَ، و لكن ظلمت و نور نزد نابينا يكسان است، أَيْنَ الأَبْصارُ الْحَدِيْدَةُ وَأَيْنَ الآذانُ الْواعِيَةُ، از حضرت رحمن ميطلبم بِما وَعَدَ فِي الْفُرْقانِ وفا نمايد و ارض را محلّ ظهور آيهٴ مباركهٴ لا تَرَى فِيْها عِوَجًا وَلا أَمْتًا فرمايد، أَلْبَهاءُ مِنْ لَدُنَّا عَلَيْكَ وَعَلَى الَّذِيْنَ نَبَذُوا ظُلْمَةَ الأَوْهامِ مُتَشَبِّثِيْنَ بِأَنْوارِ الْيَقِيْنِ، الْحَمْدُ لله رَبِّ الْعالَمِيْنَ.